جلسه 22

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

حدیث اخلاقی

ثم قال : ياحفص كن ذنبا ولا تكن رأسا ، ياحفص قال رسول الله : «من خاف الله كل لسانه».

ثم قال : بينا موسى بن عمران يعظ أصحابه إذ قام رجل فشق قميصة فأوحى الله عزوجل إليه يا موسى قل له : لا تشق قميصك ولكن اشرح لي عن قلبك.

ثم قال : مر موسى بن عمران برجل من أصحابه وهو ساجد فانصرف من حاجته وهو ساجد على حاله ، فقال له موسى 7 : لو كانت حاجتك بيدي لقضيتها لك ، فأوحى الله عزوجل إليه يا موسى لوسجد حتى ينقطع عنقه ما قبلته حتى يتحول عما أكره إلى ما احب.[[1]](#footnote-1)

نکته:

ادب پیامبرصلی الله علیه و آله: أدبني ربي فأحسن تأديبي

ادب الهی حتى يتحول عما أكره إلى ما احب.

صورت چهارم: اگر عذری شرعی پیش بیاید که بتواند از جماعت جدا شود، البته قصد فرادا نکرده و جدا از جماعت نشده است؛ طبق نصوص ضرری به جماعت نمی زند و می تواند ملحق به جماعت شود.

مفارقت از امام دو صورت دارد:

اول: سبقت از امام بگیرد که جایز نیست.

دوم: در فعل از امام عقب یسفتد.

مفارقت به خاطر عذر شرعی که به حد اضطرار نرسیده، در صورت تاخیر اشکالی به جماعت وارد نمی کند.

مفارقت در صورت سبق، در نصوص نداریم؛ مگر اینگه سهوا سبقت بگیرد یا بگمان اینکه امام وارد فعل بعدی مثلا رکوع شده، دچار سبقت در فعل، از امام شود، در این صورت نمازجماعت او باطل نیست و در صورت متذکر شدن، باید برگردد و در فعل به امام بپیوندد.

اگر عذری پیش بیاید که مجبور به سبقت در فعل، از امام شده و می دانیم که این مجبور شدن به اندازه اضطرار نبوده و از طرفی قصد جداشدن از جماعت را نداشته است در صورتی که این سبقت عمدی نباشد، اشکالی به ایتمام ماموم وارد نمی شود و جماعتش صحیح است. همانطور که در تاخیر افتادن به خاطر عروض دردی، جماعتش باقی می ماند.

استدراک صاحب جواهر:

اما نماز از عبادات است و توقیفی می باشد ولذا محل احتیاط است، مگر اینکه نصی دال بر جواز سبقت داشته باشیم؛ بنابراین در صورتی که ماموم، مجبور به سبقت از امام شود، البته عذرش به حد اضطرار نرسیده است، بنابر احتیاط نمازش را فرادا کند زیرا نماز از توقیفیات می باشد و نصی در جواز سبقت درنماز جماعت وارد نشده است.

لكن ينبغي أن يعرف خصوص الأعذار التي تجوز المفارقة مع بقاء القدوة ، إذ قد عرفت أن مدار أكثرها على النص ، وتسمعه إن شاء الله في المسبوق ، بل تسمع أنه هل التخلف لقراءة السورة أو إتمام الفاتحة مثلا منه أو لا؟ إلا أن هذا في خصوص المفارقة بالتأخر عنه ، أما المفارقة بالتقدم على الامام بمعنى ركوعه مثلا قبل ركوعه مع بقاء الاقتداء فليس في شي‌ء من النصوص ذكر عذر لها عدا السهو والنسيان وظن فعل الامام ، ومعها يسقط التكليف بالمتابعة ، مع أنه بعد التنبه يجب عليه الرجوع إليها ، نعم‌ يمكن تصوره بما إذا حدث للمأموم مرض مثلا ألجأه إلى سبق الإمام في الركوع مثلا خاصة لا إلى إرادة المفارقة رأسا ، ولعله الظاهر من إطلاق بعض الفتاوى أنه لا بأس به وأنه كالتأخر ، فيبقى ائتمامه حينئذ وإن سبقه عمدا ، لكنه لا يخلو من إشكال ، لاحتمال وجوب نية الانفراد عليه ثم إتمام صلاته ، وهكذا في كل عذر غير منصوص حتى للتأخر ، والله أعلم.[[2]](#footnote-2)

1. [بحار الأنوار - ط مؤسسةالوفاء، العلامة المجلسي، ج78، ص226.](http://lib.eshia.ir/11008/78/226/حفص) [↑](#footnote-ref-1)
2. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص24.](http://lib.eshia.ir/10088/14/24/المفارقه) [↑](#footnote-ref-2)